

نسب‌شناسان برای معد بن عدنان تا اسماعیل چهل پدر ضبط کرده است و او می‌گوید که آن را با نوشته‌های اهل کتاب مقابله کرده و موافق آن‌ها بوده است. تنها در برخی از نام‌ها اختلافی مشهود افتاده است. گوید که: من خواستم تا آن را برای من املاء کند، چنین کرد و طبری همه را تا پایان نقل کرده است.

بعضی از نسب‌شناسان، میان عدنان و اسماعیل بیست یا پانزده پدر - یا در همین حدود برشمرده‌اند و در صحیح از ام سلمه از پیامبر (ص) روایت شده که گفت: معد بن عدنان بن ادد بن زند بن یری<sup>۱</sup> بن اعراف الثرا. ام سلمه گفت: زند همیسع است و یری نبت یا نابت است و اعراف الثرا اسماعیل است. و در آغاز کتاب از آن یاد کردیم - سهیلی تفسیر ام سلمه را رد کرده است و گوید: مراد از این حدیث بر شمردن پدران میان معد و اسماعیل نیست بلکه معنی آن، این حدیث است که: شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است. و نسب‌شناسان به اتفاق تأیید می‌کنند که میان عدنان و اسماعیل به‌زمان، چندان فاصله است که عادتاً محال است که چهار یا پنج یا ده پدر بوده باشد.

بنابر قول طبری عدنان را شش پسر بود: دیت<sup>۲</sup> که او همان عک است و عدن<sup>۳</sup> و عدن<sup>۴</sup> الیمن بدو نامیده شده و اد و ضحاک<sup>۵</sup> و ابین<sup>۶</sup> و عی<sup>۷</sup> و مادرشان مهدد است. هشام بن محمد گوید: مهدد از جدیس است و به‌قولی از طسم و به‌قولی از طواسیم و به‌قولی از نسل بقشان<sup>۸</sup> بن ابراهیم.

طبری گوید: چون مردم حضوراً، شعیب بن مهدم، پیامبر خود را کشتند، خداوند به‌ارمیا و برخیا از پیامبران بنی‌اسرائیل وحی کرد که بختنصر را فرمان دهند تا به‌جنگ عرب رود و او را بیاگاهانند که خداوند او را بر عرب چیرگی خواهد داد. و معد بن عدنان را به‌سرزمین خود برند و از هلاکت برهانند زیرا خداوند از پیش مقرر کرده بود که محمد در اعقاب او خواهد بود. آن دو معد را که دوازده سال داشت بر اسیب تیز تک نشانند و رهانیدند و به‌حران بردند. و به‌او علم و کتاب خود را آموختند. بختنصر به‌سوی عرب لشکر کشید، عدنان با جمعی که بر او گرد آمده بودند در ذات عرق با او رو به‌رو شد، بختنصر آنان را به‌هزیمت داد و همه را از دم تیغ بگذرانید و با غنایم و اسیران به‌بابل بازگشت و همه را در انبار جای داد. عدنان پس از واقعه بمرد و سرزمین عرب سال‌هایی چند، ویران بماند. چون بختنصر بمرد، معد همراه پیامبران بنی‌اسرائیل به‌مکه آمد. آنان حج کردند، معد نیز با آنان حج کرد و برادران و عموهای خود از بنی عدنان را بیافت. آنان میان طوایف یمن رفته و در آنجا زن گرفته بودند و مردم یمن، از تولد جرهم شادمان شده بودند و آنان را به‌دیار خود بازگردانیدند. پس سؤال کرد که از فرزندان حارث بن مضاض الجرهمی که باقی مانده؟ گفتند جوشم<sup>۹</sup> بن جلهمه<sup>۱۰</sup> باقی

۱. زید بن یزاد.	۲. ربیع.	۳. عرق.	۴. عرق الیمن.
۵. ابوالضحاک.	۶. عقب.	۷. شمسی در طبری آمده است.	
۸. لقشان.	۹. جرهم.	۱۰. جلهمه.	

مانده. معد، معانه دختر او را به زنی گرفت و از او، نزار بن معد متولد شد. مساکن بنی عدنان منحصر در نجد است. بیشتر بادیه نشین اند و در حال کوچ، جز قریش که در مکه سکونت دارند.

سهیلی گوید: از میان اعراب تنها بنی عدنان در نجد سکونت دارند، و از قحطان جز طی، از کهلان، که میان دو کوه اجا و سلمی زندگی می کنند، تیره دیگری، در آنجا نیست. از عدنان جمعی در تهامه و حجاز پراکنده اند و جمعی در عراق و جزیره. ولی بعد از اسلام به سرزمین های دیگر رفتند. از شعوب عدنان است، عک و معد، که عک در نواحی زبید زندگی می کنند، و می گویند: عک بن الدیث (به دال بی نقطه و ثاء سه نقطه) بن عدنان. و گویند که: این عک که پسر عدنان (به ثاء سه نقطه) ابن عبدالله از بطون ازد است، از فرزندان عک بن عدنان، بنی غافق<sup>۱</sup> بن الشاهد بن علقمه بن عک، بطنی گسترده است که از میان آنان در عهد اسلامی رؤساء و امرایی پدید آمدند.

اما معد خود بطنی عظیم است و همه از اعقاب و نسل عدنان هستند. و این همان کسی است که گفتیم ارمیاء نبی از پیامبران بنی اسرائیل را خداوند وحی کرد که بختصر را فرمان دهد تا از عرب انتقام بگیرد و معد را بر اسبی تیز تک بر نشاند و از مهلکه به در برد، تا آسیبی به او نرسد، زیرا از صلب او پیامبر بزرگواری که خاتم پیامبران است، زاده خواهد شد. از فرزندان معد است: ایاد و نزار و قصص و انمار.

اما قصص، بعد از پدر بر عرب امارت یافت و می خواست برادرش نزار را از حرم اخراج کند. مردم مکه او را از مکه بیرون راندند و نزار را به جای او برگزیدند. و نزار چون مرگش نزدیک شد، اموالش را میان فرزندان تقسیم کرد: اسب را به ربیعۀ داد و خیمه سرخ را به مضر و خر را به انمار و میش و عصا را به ایاد. آنان که ناخشنود بودند، داوری به افعی نجران بردند و آن قصه معروف است و از موضوع کتاب ما بیرون.

اما ایاد به چند بطن تقسیم شدند. و فرزندان اسماعیل روی در فزونی نهادند بنی مضر بن نزار ریاست حرم را به عهده گرفتند و بنی ایاد به عراق رفتند و انمار با فرزندان خود خثعم و بجیله راهی سروات شد و در کنار چاه های یافه فرود آمد. ایشان را در بلاد اکاسره آثاری مشهور است. تا آنجا که ساسانیان با آنان به نبرد برخاستند و همه را از میان بردند. و بیش از همه شاپور ذوالاکتاف از آنان کشتار کرد و در نابودیشان کوشید.

اما نزار را در دو بطن عظیم است، ربیعه و مضر. بعضی گویند که ایاد به نزار باز می گردد و نیز انمار. اما ربیعه سرزمینشان میان جزیره و عراق است. ضبیعه و اسد، فرزندان ربیعه اند. از اسد است عنزه و جدیله. بلاد عنزه، عین التمر است در عراق، در سه منزلی انبار. پس از آنجا به خیبر روان شدند و

اکنون در آنجا بید و سرزمینشان به غزیه از قبیله طی رسید که اکنون در عراق، کثرت افراد و بسطت فرمانروایی از آن ایشان است. و از عتزه در افریقیه، حی کوچکی است که با ریاح از بنی هلال بن عامر زندگی می‌کنند. همچنین احیاء چندی است که همراه طی در بیابان‌های حجاز در طلب آب و گیاه هستند. اما جدیله: از ایشان است عبدالقیس و هنب فرزندان اقصی بن دعی بن جدیله. عبدالقیس، ساکنشان در تهامه است. سپس از آنجا به بحرین روان شدند و آن سرزمین‌های پهناوری است در مغرب دریای فارس و از مشرق به یمامه پیوسته است و از شمال به بصره و از جنوب به عمان، نیز به بلاد هجر معروف است. از بحرین است قطیف و هجر و عبیر و جزیره‌اوال و الاحساء. هجر دروازه یمن است از سمت عراق. در زمان ساسانیان از متصرفات ایران و تحت تملک ایشان بود. در بادیه‌اش مردم فراوانی از بکر بن وائل و تمیم زندگی می‌کنند. چون بنی عبدالقیس به آنان پیوستند، جایشان تنگ شد و در سرزمین‌هایشان با آنان مشارکت نمودند. گروهی از جانب آنان در مدینه نزد پیامبر (ص) آمده و اسلام آوردند. نیز از ایشان منذر بن عائذ<sup>۱</sup> بن المنذر بن الحارث بن النعمان بن زیاد بن نصر بن عمرو بن عوف بن جذیمة بن عوف بن انمار بن عمرو بن ودیعة بن بکر به مدینه آمد. گویند که: او سرور و پیشوایشان به سوی اسلام بود. عائذ در زمره اصحاب پیامبر (ص) درآمد. و نیز جارود بن عمرو بن حنش بن المعلی بن زید بن حارثة بن معاویة بن ثعلبه بن جذیمة - و ثعلبه، برادر عوف بن جذیمة بود - به دیدار رسول خدا آمد. او همراه عبدالقیس به سال نهم هجری با منذر بن ساوی از بنی تمیم آمدند. و ما در باب ایشان سخن خواهیم گفت. مردی نصرانی بود که به اسلام گروید او نیز در شمار اصحاب در آمد و مکانتی یافت. اما عبدالقیس بعد از وفات پیامبر (ص) در شمار اهل رده درآمدند. اینان منذر بن النعمان را که کسری پدرش را کشته بود، برخود امیر کردند. ابوبکر، علاء‌الحضری را که به فتح بحرین رفته بود، بر سر او فرستاد و منذر کشته شد. ریاست عبدالقیس همچنان در فرزندان جارود بود. سپس به پسرش منذر رسید. عمر او را امارت بحرین داد سپس به اصطخرش فرستاد و عبیدالله بن زیاد او را امارت هند داد. آنگاه حکومت به حکیم بن منذر رسید. او پیش از آن که به امارت عراق رسد، امارت بحرین را گاهگاه بر عهده داشت.

اما هنب بن اقصی، از این تیره است: نمر و وائل، فرزندان قاسط بن هنب. بلاد بنی نمرین قاسط رأس‌العین است و از ایشان است: صهیب بن سنان بن مالک بن عبد عمرو بن عقیل بن عامر بن جندلة بن جذیمة بن کعب بن سعد بن اسلم بن اوس مناة بن نمرین قاسط، صحابی رسول خدا (ص). او به روم انتساب داشت. پدرش سنان از جانب کسری عامل ابله بود. در وقایع رده، بنی قاسط را نیز قضایایی بود. از ایشان است ابن القریه که در ایام حجاج می‌زیست و به فصاحت اشتهار داشت و نیز منصور بن النمر شاعر مداح هارون الرشید.

اما بنی وائل، بطنی عظیم و وسیع است مشهورترین شان بنی تغلب و بنی بکر بن وائل اند. میان این دو آن جنگ‌های مشهور اتفاق افتاد که به قولی چهل سال به درازا کشید. بنی تغلب از شهرت و کثرت برخوردارند، بلادشان در جزیره فرات در جانب سنجارو نصیین است و به دیار ربیعہ اشتہار دارد و به خاطر مجاورت با روم، بیشتر نصرانی هستند. از بنی تغلب است: عمرو بن کلثوم شاعر. و او عمرو بن کلثوم بن مالک بن عتاب بن سعد بن زهیر بن چشم بن بکر بن حیب بن عمرو بن غانم بن تغلب است. و مادرش هند دختر مهلهل. از فرزندان اوست: مالک بن طوق، بن مالک بن عتاب بن زافر بن شریح بن عبدالله بن عمرو بن کلثوم. و رحبہ مالک بن طوق، بر ساحل فرات بدو منسوب است و نیز از بنی تغلب است: عاصم بن النعمان، عم عمرو بن کلثوم و او کسی است که شرحیل بن الحارث بن آکل المرار را در نبرد کلاب (یوم الکلاب) بکشت. و نیز از بنی تغلب اند: کلیب و مهلهل فرزندان ربیعہ بن الحارث بن زهیر بن چشم. کلیب سرور بنی تغلب بود، جساس بن مرہ بن ذهل بن شیبان او را کشت. او، خواهر کلیب را به زنی داشت ناقہ بسوس در قرقگاہ کلیب چریده بود و کلیب تیری بر آن زده و آن را کشته بود. جساس نیز او را کشت، زیرا بسوس در حمایت او بود. برادر کلیب مهلهل بن الحارث به ریاست تغلب رسید و بکر بن وائل به طلب خون کلیب برخاست و جنگی که چهل سال مدت گرفت میانشان در گرفت و آن داستان معروف است. مهلهل عمر دراز کرد و به یمن رفت. دو تن از بردگانش او را در راه کشتند. بنی شعبه که در این عهد در طایف سکونت دارند از فرزندان شعبه بن مهلهل هستند. و از تغلب است ولید بن طریف بن عامر الخارجی. او از فرزندان صیفی بن حسی<sup>۱</sup> بن عمرو بن بکر بن حیب است و خواهرش لیلی در رثاء او گفته است:

ایا شجر الخابور مالک مورقا	کانک لم تجزع علی ابن طریف
فتی لایرید المزالامن التقی	والالمال الامن قنا و سیوف
خفیف علی ظهر الجواد الی الوغی	ولیس علی اعدائه بخفیف
ولو کان هذالموت یقبل فدیة	فدیناه من ساداتنا بالوف

و نیز از بنی تغلب است بنی حمدان ملوک موصل و جزیره در ایام المتقی و دیگر خلفای بنی عباس که از پس او آمدند. مادر اخبار بنی عباس از آنان یاد خواهیم کرد. بنی حمدان از فرزندان عدی بن اسامة بن غانم بن تغلب اند. سیف الدوله پادشاه مشهور از این خاندان است.

اما بکر بن وائل، اینان نیز مشهور و پر شمارند. از ایشان است: یسکر بن بکر بن وائل، و بنی عکابه بن صعب بن علی بن بکر بن وائل، و از ایشان است: بنی حنیفه و بنی عجل فرزندان لجیم بن صعب. بنی حنیفه را بطن‌های متعددی است که بیشتر از فرزندان دول بن حنیفه اند. موطن اینان یمامه از اوطان حجاز است همچنین نجران از یمن است. و جانب شرقی یمامه به بحرین و مسکن بنی تمیم می‌رسد و

غربی آن به اطراف یمن است و حجاز و جنوبی آن به نجران و شمالی آن به سرزمین نجد. درازای آن بیست منزل است. و از مکه چهار روز راه است در آنجا نخل و زرع بسیار است. مرکز آن حجر (به فتح) است. و در آنجا شهری است به نام یمامه که جو نامیده می‌شد، سپس یمامه زرقاء نامیده شد. که پیش از بنی حنیفه، مقر پادشاهان بود. بنی حنیفه بعدها شهر حجر را گرفتند و تا ظهور اسلام به همان حال بود. موطن یمامه، از آن بنی همدان بن یعفر بن السکسک بن وائل بن حمیر بود. اینان بر ساکنان آن دیار از طسم و جدیس غلبه یافتند. بنا به روایت طبری، آخرین پادشاهشان در آنجا قرط بن یعفر بود. چون او بمرد بعد از او، طسم و جدیس بر آن دیار غلبه یافتند. از اینان بود: زرقاء خواهر ریاح بن طسم، چنانکه در اخبارشان آورده‌ام. ولی بار دیگر بنی حنیفه بر یمامه غلبه یافتند و طسم و جدیس را منکوب نمودند. پادشاهشان هوذة بن علی بن ثمامه بن عمرو بن عبدالعزی بن سحیم بن مرة بن الدول بن حنیفه بود که کسری تاج بر سر او نهاده و پسر عمش عمرو بن عمرو بن عبدالله بن عمرو بن عبدالعزی کشته شد. منذر بن ماء السماء بود در نبرد عین اباغ (یوم عین اباغ). و از ایشان بود ثمامه بن ائال بن النعمان بن سلمه بن عبید بن ثعلبة بن الدول بن حنیفه پادشاه یمامه که در او ان مبعث بود. کار او نیز به رده کشید و در آن ماجری کشته شد. نیز از ایشان است: نافع بن الازرق بن قیس بن ... صبرة بن ذهل بن الدول بن حنیفه، که از خوارج بود و فرقه ازارقه بدو منسوب است. و نیز از ایشان است: محکم بن الطفیل<sup>۱</sup> بن سلمه بن عبید بن ثعلبة بن حنیفه که صحابی مسیلمه کذاب بود. مسیلمه از بنی عدی بن حنیفه بود و نسب او چنین است: مسیلمه بن ثمامه بن کثیر بن حیب بن الحارث بن عبدالحارث بن عدی. اخبار مسیلمه در رده معروف است و ما در آن باب سخن خواهیم گفت.

اما بنی عجل بن لجیم بن صعّب، اینان بودند که - چنانکه گفتیم - در نبرد ذوقار ایرانیان را به هزیمت دادند. منازلشان از یمامه است تا بصره، اکنون از میان رفته‌اند و در این ایام در آن بلاد بنی عامر المتفق بن عقیل بن عامر زندگی می‌کنند. از آنان است: ابودلف عجلی. ایشان را در عراق عجم دولتی بود، که از آن سخن خواهیم گفت.

اما عکابه بن صعّب بن علی بن بکر بن وائل: از ایشان است تیم الله و قیس فرزندان ثعلبة بن عکابه و شیبان بن ذهل بن ثعلبة که سه بطن عظیم‌اند وسیع‌تر و پرشعبه‌تر از همه بنی شیبان است. اینان در صدر اسلام در شرق دجله در حدود موصل فراوان بودند. بیشتر ائمه خوارج در دیار ربیعه از ایشان است. سرورشان در عهد جاهلی مرة بن ذهل بن شیبان بود. او را ده فرزند بود که از آن ده قبیله پدید آمد که مشهورترینشان همام و جساس‌اند.

ابن حزم گوید: از همام بیست و هشت بطن بیرون آمد. اما جساس، کلیب شوهر خواهر خود را که سرور تغلب بود بکشت؛ آنگاه که ناقه بسوس را با تیر زد. فرزند کلیب نزد بنی شیبان ماند تا آنگاه که

۱. محلم بن سبیح.

بزرگ شد و دریافت که جساس دایی او قاتل پدرش، کلیب بوده است، او را کشت و نزد تغلب بازگشت. از فرزندان جساس است: بنی الشیخ که در آمد، به ریاست رسیدند و به دست المعتضد منقرض شدند. نیز از بنی شیبان است: هانی بن مسعود، آنکه سلاح‌های نعمان را که به ودیعت نزد او بود، به پرویز نداد و این امر سبب نبرد ذوقار شد. او هانی بن مسعود بن عامر بن ابی ربیعۀ بن ذهل بن شیبان بود. و نیز از ایشان است ضحاک بن قیس خارجی، که در ایام مروان بن محمد، بر مذهب صفریه، با او بیعت کردند و او کوفه و چند جای دیگر را گرفت حتی جماعتی از بنی امیه به خلاف با او بیعت نمودند. از آن جمله بودند: سلیمان هشام بن عبدالملک و عبدالله بن عمر بن عبدالغزیز، بالاخره مروان بن محمد او را به قتل آورد. نسب او چنین است: ضحاک بن قیس بن الحصین بن عبدالله بن ثعلبۀ بن زید مناة بن ابی عمرو بن عوف بن ربیعۀ بن محلم بن ذهل بن شیبان - ما از او سخن خواهیم گفت - و نیز از بنی شیبان است: مثنی بن حارثه و عمران بن حطان<sup>۱</sup> از اعلام خوارج. و این پایان سخن در باب ربیعۀ بن نزار است. و الله المعین.

### مضربین نزار

فرزندان مضربین نزار به عدت و عدت از دیگر بنی عدنان بیش بودند. در مکه ریاست داشتند و همه‌شان از دو دستۀ عظیم بودند؛ خندف و قیس. زیرا مضرب را دو فرزند بود: الیاس و قیس عیلان و عیلان برده‌ای بود تحت حضانت قیس، پس به او انتساب یافت، و گویند که نام اسب است. و گویند که عیلان پسر مضرب است و نام او الیاس است، و او را دو پسر بوده: قیس و دهمان<sup>۲</sup> و این قولی نادرست است.

الیاس را سه پسر بود: مدرکه و طابخه و قمعه، از زنی از قضاعه به نام خندف. پس بنی الیاس همه بدو منسوبند و مضرب به خندف و قیس عیلان تقسیم شده است. قیس نیز دارای سه بطن است: کعب و عمرو و سعد که سه فرزند قیس اند. از عمرو است: بنی فهم و بنی عدوان، فرزندان عمرو بن قیس. بنی عدوان بطنی است گسترده، منازلشان در طائف از سرزمین نجد است. بعد از ایاد، عمالقه در آنجا مسکن گرفتند، سپس ثقیف بر آنان غلبه یافتند و آنان به تهامه رفتند. و از ایشان است عامر بن الطرب بن عمرو بن عباد بن یشکر بن عدوان، داور عرب در جاهلیت. و نیز ابو سیاره که مردم را به هنگام حج به مکه می‌برد و نام او عمیلۀ بن الاعزل بن خالد بن سعد بن الحارث بن وایش<sup>۳</sup> بن زید بن عدوان بود. در این روزگار جماعتی از ایشان در افریقیه در فقر به طور بادیه‌نشینی زندگی می‌کنند و گاه با بنی سلیم و گاه با ریاح بن هلال بن عامر از جایی به جایی کوچ می‌کنند.

بنابر نقل بیهقی، از بنی فهم بن عمرو است بنی طرود بن فهم، که بطنی وسیع بود و در سرزمین

۱. حطان.

۲. دهم.

۳. رایس.

نجد زندگی می‌کردند، از آنان بود اعیسی و اکنون در آنجا هیچ‌کس از ایشان باقی نمانده است ولی در افریقه از آنان، حیسی است که با سلیم و ریاح از جایی به‌جایی کوچ می‌کنند. پایان سخن در باب عمرو بن قیس.

اما فرزندان سعد بن قیس، از ایشان است: غنی و باهله و غطفان و مره. اما غنی، فرزندان عمرو بن اعصر بن سعد است و اما باهله [فرزندان مالک بن اعصر بن سعد هستند، فرمانروای مشهور خراسان قتیبة بن مسلم باهلی نیز از ایشان است].<sup>۱</sup> و نیز اصمعی راویه مشهور. او عبدالملک بن قریب بن عبدالملک بن علی بن اصمعی بن مظهر<sup>۲</sup> بن ریاح بن عمرو بن عبد شمس بن اعیان سعد بن عبد غنم<sup>۳</sup> بن قتیبة بن معن بن مالک است.

اما بنی غطفان بن سعد: بطنی وسیع با شعوب و بطون بسیار. منازلشان در نجد است از جانب وادی القری و کوه‌های طی. در فتوحات اسلامی پراکنده شدند و قبایل طی بر آنان استیلا یافتند. امروز در هیچ جا خاندان‌هایی از آنان نیست، مگر فزاره و رواجه که در پناه قبایل هبیل در بلاد برقه هستند. بنی غطفان را سه بطن است: بطن اشجع بن ریث بن عطفان و عبس بن بغیض بن ریث بن غطفان<sup>۴</sup> و ذبیان. اشجع اعراب مدینه - یثرب - بودند. سرورشان معقل بن سنان بود که از صحابه بود و نیز نعیم بن مسعود بن عامر بن انیف بن ثعلبة بن قنفذ<sup>۴</sup> بن خلاوة بن سیب بن اشجع، همان که میان جماعات احزاب اختلاف افکند تا نتوانند علیه پیامبر (ص) دست به اقدامی بزنند.

در این روزگار در نجد کسی از آنان باقی نمانده است، جز تنی چند در حوالی مدینه نبویه و مغرب اقصی، که امروزه حی بزرگی از آنان با اعراب معقل در نواحی سجلماسه و وادی ملویه در کوچ هستند.

اما بنی عبس که خاندان‌هایشان در بنی عدنه بن قطیعه باقی است. از ایشان است: ربیع بن زیاد وزیر نعمان، سپس برادرانشان بنی الحارث بن قطیعه. و نیز از ایشان است: زهیر بن جذیمة بن رواجه بن ربیعة بن آزر بن الحارث که سرور قوم بود و بر همه عطفان ریاست داشت. او را چهار فرزند است: قیس، که بعد از پدر بر عبس سروری یافت و پسرش، زهیر که نبرد داحس و غیرا را برپا ساخت. داحس و غیرا، دو اسب بودند که داحس از آن قیس بود و غیرا از آن حذیفة بن بدر، سرور فزاره. آن دو اسب‌های خود را به مسابقه آوردند ولی میانشان خلاف افتاد و کارشان به جنگ کشید و قیس حذیفة را به قتل آورد. این جنگ میان عبس و فزاره و برادران قیس بن زهیر، یعنی حارث و شامس و مالک مدت‌ها ادامه یافت. از ایشان بود صحابی مشهور حذیفة بن الیمان بن حسل بن جابر بن ربیعة بن جزوة بن الحارث بن قطیعه. و از عبس بن جابر است بنی غالب بن قطیعه، سپس عنتره بن معاویة بن شداد بن مراد بن مخزوم

۱. میان دو قلاب: متن متن مغشوش بود از روی جمهرة انساب العرب تصحیح شد. ۲. مطر.

۳. غانم.

۴. قنفذ.

بن مالک بن غالب، سوارکار مشهور و یکی از شاعران ششگانه عصر جاهلی. پس از او یکی از خوشاوندانش حطیه شاعر مشهور بود. نام او جرول بن اوس بن جویه بن مخزوم بود. در سرزمین نجد در این ایام از بنی عبس کسی باقی نمانده است. اما در احیاء زغبه از بنی هلال چند خاندان است که خود را به بنی عبس منسوب می‌دارند و من نمی‌دانم که این عبس است یا عبسی دیگر از بنی زغبه.

اما، ذبیان بن بغیض را سه بطن است: مره و ثعلبه و فزاره. و فزاره را پنج شعبة است: عدی و سعد و شمخ و مازن و ظالم. در جاهلیت، ریاستشان در خاندان بدر بن عدی بود و آنان بر همه عطفان ریاست داشتند. از قیس و برادرانشان هستند: بنی ثعلبه بن عدی و از آنان بود حذیفه بن بدر بن جویه<sup>۱</sup> بن لوزان بن ثعلبه بن عدی بن فزاره که با قیس بن زهیرالمبسی در مسابقه داحس و غیرا شرطبندی کرد و بدان سبب آن جنگ معروف درگرفت. از فرزندان حذیفه است، عیسه بن حصن بن حذیفه که احزاب را به مدینه رهبری کرد و در آغاز بیعت ابوبکر، بر مدینه حمله ور شد و رسول خدا (ص) او را الاحمق المطاع نامیده بود. نیز از ایشان است: صحابی مشهور سمره بن جندب بن هلال بن خدیج بن مره بن خرق بن عامر بن عمرو بن جابر بن خشین ذی‌الرأسین بن لای بن عصیم بن شمخ بن فزاره. و از بنی سعد بن فزاره است: یزید بن عمرو بن هبیره بن معیه بن سکین بن خدیج بن بغیض بن مالک بن سعد بن عدی بن فزاره. او و پدرش در ایام پدید بن عبدالملک و مروان بن محمد، والی عراق شدند. بعدها منصور با آنکه با او پیمان بسته بود، او را بکشت. و از بنی مازن بن فزاره است هرم بن قطبه او اسلام را درک کرد و اسلام آورد. بیان حال دیگران موجب طول کلام می‌شود و از ایشان هیچ‌کس در نجد باقی نمانده است.

ابن سعید گوید: ابرق الحنان و ابان - از وادی القری - از بلاد مشهور آنان بودند و در این زمان همسایگان آنان از قبیله طی در آنجا سکونت دارند و از برقه تا طرابلس چند قبیله از آنان زندگی می‌کنند که عبارتند از: رواحه و هیب و فران. من می‌گویم: در افریقیه و مغرب در این روزگار احیاء بسیاری هستند که با مردم آنجا در آمیخته‌اند، بعضی با معقل در آمیخته‌اند که از آنان در مغرب اقصی جماعتی بسیار هستند و قبایل معقل به‌هنگام نیاز از آنان یاری می‌جویند. همچنین طایفه دیگری از آنان با بنی سلیم بن منصور در افریقیه زندگی می‌کنند. اینان هم پیمانان فرزندان ابی‌اللیل هستند و بنی سلیم به‌هنگام نبردهایشان از آنان استمداد می‌کنند و آنان را به نیابت از خود به‌اداره امور بادیه‌شان می‌گمارند. از مشهورترینشان: معن بن معاطن وزیر حمزه بن عمر بن ابی‌اللیل است و ما در این باب سخن خواهیم گفت.

بنی مرین امراء زاب در این عهد می‌پندارند که از آنان هستند و خود را با مازن بن فزاره نسبت می‌دهند و این درست نیست. با این نسب‌سازی بدویان می‌خواهند خود را به فزاره نزدیک سازند

به طمع قدرتی که در اثر فرمانروایی زاب به دستشان افتاده، بویزه آنکه جمع آوری خراج آن نواحی به عهده ایشان است.

اما بنی مره بن عوف بن سعد بن ذبیان، از ایشان است هرم بن سنان ابن غیظ بن مره و او در عصر جاهلیت سرور این قوم بود و زهیر بن ابی سلمی او را مدح گفته است. و نیز الفاتک، یعنی حارث بن ظالم بن جذیمة بن یربوع بن غلیظ. او خالد بن جعفر بن الکلاب و شرحیل بن الاسود بن المنذر را به ناگاه بکشت. ابن الحارث به دست نعمان بن المنذر افتاد و نعمان او را به قتل آورد. شاعر عصر جاهلی نابغه زیاده عمر و الذبیانی یکی از شاعران ششگانه جاهلی از ذبیان بود. نیز مسلم بن عقبه بن ریاح بن اسعد بن ربیعة بن عامر بن مالک بن یربوع، سردار لشکر یزید بن معاویه در جنگ حره علیه مردم مدینه و چند تن دیگر که ذکرشان موجب طول سخن می شود، از ایشان بود. و این پایان سخن در باب بنی غطفان است. بلادشان واقع در نجد در سمت وادی القری بود. ابنی و حاجر و هبائه و ابرق الحنان از معالم بلاد ایشان بود. اینان به هنگام فتوحات اسلامی در بلاد پراکنده شدند و در آن بلاد خبری از ایشان نیست. قبایل طی در آن دیار فرود آمدند. با پایان یافتن اخبار ایشان اخبار بنی سعد بن قیس نیز به پایان آمد.

و اما خفصة<sup>۱</sup> بن قیس، از ایشان دو بطن عظیم متفرع می شود: بنی سلیم بن منصور و هوازن بن منصور. هوازن را بطون بسیاری است که درباره آن سخن خواهیم گفت. بنی مازن بن منصور که شمارشان اندک است به این دو بطن ملحق می گردد. از اینان بود: عتبه بن غزوان بن جابر بن وهب بن نشیب بن وهیب<sup>۲</sup> بن زید بن مالک بن عبد عوف بن الحارث بن مازن، که از اصحاب مشهور پیامبر بود و برای عمر بن الخطاب بصره را بنا کرد و عتبی ها که در خراسان سروری یافتند، بدو منسوبند. نیز بنی محارب بن خفصه به آنان ملحق اند. اما بنی سلیم دارای شعوب بسیاریند، از آن جمله است: بنی ذکوان بن رفاعه بن الحارث بن حی<sup>۳</sup> بن الحارث بن بهته بن سلیم و برادرانشان بنی عبس بن رفاعه که از آنان بود، عباس بن مرداس بن ابی عامر بن حارثة بن عبد عبس، صحابی مشهور که رسول خدا (ص) در زمره مولفه قلوبهم او را عطا داد و چون از اندک بودن آن خشمگین شد بر آن بیفزود و او آن آیات را که در تاریخها آمده است، بسرود. پدرش مرداس با خنساء ازدواج کرده بود و او حاصل این ازدواج بود. نیز از بنی سلیم است: بنی ثعلبه بن بهته بن سلیم. از این تیره بود عید بن عبدالرحمان بن عبدالله بن ابی الاعور والی افریقیه. جدا و ابوالاعور از سرداران معاویه بود و عمرو بن سفیان بن عبد شمس بن سعد بن خائف<sup>۴</sup> بن الاوقص بن مره بن هلال بن فالح بن ذکوان بن ثعلبه بود. دیگر ورد<sup>۵</sup> بن خالد بن حذیفه بن عمرو بن خلف بن مازن بن مالک بن ثعلبه بود. او، در روز فتح، بر بنی سلیم فرمانروایی داشت. و

۴. فائف.

۳. رجاء

۲. وهب.

۱. خفصة.

۵. رود.

عمرو بن عبسه<sup>۱</sup> بن منقذ بن عامر بن خالد، که در جاهلیت دوست رسول خدا (ص) بود، بعد از ابوبکر و بلال سومین کسی بود که ایمان آورد و می‌گفت: من در آن روزگار چهارمین مسلمان بودم و بنی رعل<sup>۲</sup> بن مالک بن امرؤالقیس بن بهته و بنی عصبیه بن خفاف بن امرؤالقیس که رسول خدا (ص)، آن روز که خبر بثر معونه را شنید، این دو را لعنت کرده بود. دیگر از شعب عصبیه، شرید است و نام او عمرو بن یقطه بن عصبیه بود. ابن سعید می‌گوید: شرید بن رباح بن ثعلبه بن عصبیه، خنساء از آنان بود، و برادرانش صخر و معاویه، پسران عمرو بن الحارث بن الشرید بودند. ابن سعید گوید: عمرو بن شرید دست دو پسر خود صخر و معاویه را به‌هنگام حج می‌گرفت و می‌گفت: من پدر دو پسر مضر هستم. هر کس منکر است بیازماید و هیچ‌کس منکر آن نبود. دختر او خنساء شاعر بود که از او سخن یاد کردیم. او نیز با پسران خود در نبرد قادسیه شرکت جست.

بنی شرید در این ایام در افریقیه از جمله بنی سلیم هستند و آنان را شوکت و صولت است. و از ایشانند برادران عصبیه بن خفاف. خفاف سرور اهل رده، که ابوبکر او را در آتش سوزانید از آنان بود و بحیره<sup>۳</sup> بن ایاس بن عبدالله بن عبد یالیل<sup>۴</sup> بن سلمه بن عمیره نام داشت.

نیز از بنی سلیم است: بنی بهز بن امرؤالقیس بن بهته. از ایشان بود صحابی مشهور حجاج بن علاط بن خالد بن نویره<sup>۵</sup> بن جسر<sup>۶</sup> بن هلال بن عبدظفر بن سعد بن عمرو بن تمیم بن بهز و پسرش نصر بن حجاج، که عمر او را از مدینه تعین کرد.

ابن سعید گوید: از بنی سلیم است: بنوزغبه بن مالک بن بهته. اینان در بین حرمین زندگی می‌کردند، سپس به مغرب منتقل شدند و در افریقیه در پناه برادرانشان ذیاب بن مالک زندگی کردند، سپس در جوار بنی کعب قرار گرفتند. نیز از بنی سلیم است بنی ذیاب بن مالک که منازلشان میان قابس و برقه در مجاورت مساکن یههب می‌باشد. در جانب مدینه جماعتی از ایشان هستند که حجاج را می‌آزارند و راه‌ها را می‌برند. و بنی سلیمان بن ذیاب در جانب فزان و ودان سکونت دارند. رؤساء ذیاب در این عهد جواری هستند میان طرابلس و قابس و خاندان بزرگ آنان بنی صابر است و نیز محامد در نواحی فاس و خاندان بزرگشان بنی رضاب<sup>۷</sup> بن محمود است و ما در آتیه از آنان یاد خواهیم کرد. و از بنی سلیم است: بنی عوف بن بهته، میان قابس و بلدالعناب از افریقیه و جرما. اینان دو تیره‌اند: مرداس و هلاق، ریاست مرداس - در این عهد - در خاندان بنی جامع است. اما هلاق در آغاز دخولشان به افریقیه رئیسشان رافع بن حماد بود و از اعقاب او - در این عهد - رؤسای سلیم است در افریقیه. از بنی سلیم است بنی یههب بن بهته برادران بنی عوف بن بهته، مکان ایشان میان سدره از برقه است و صحرای کبیر و نیز در حدود اسکندریه. اما رواجه و فزاره که در بلاد هیب هستند از غطفانند

۱. هنبه. ۲. علی. ۳. بحیره را در اصل ندارد. ۴. الیل. ۵. نذیره. ۶. حبتر. ۷. رصاب.

و این پایان سخن است در بنی سلیم بن منصور. بلادشان در عالیة نجد در جانب غربی و ناحیة خیر بود، از آن سرزمین است: حرة بنی سلیم و حرة النار، میان وادی القرا و تیماء. اکنون از آنان کسی در آنجا باقی نمانده و بلادشان از میان رفته است ولی در افریقیه از ایشان خلق بسیاری است که به هنگام سخن از طبقه چهارم از عرب، از آنان یاد خواهیم کرد.

اما هوازن بن منصور: بطون بسیاری هستند که سه گروه همه آنان را در برمی گیرد: بنی سعد بن بکر و بنی معاویة بن بکر و بنی منبه بن بکر. اما بنی سعد بن بکر آنان هستند که رسول خدا در میان آنان شیر خورد. حلیمه دختر ابن ذؤیب بن عبدالله بن الحارث بن شجعة<sup>۱</sup> بن ناصرة بن عصبیة بن نصر بن سعد<sup>۲</sup> او را شیر داد. فرزندان او: عبدالله وانسه و شیما دختران حارث بن عبدالعزی بن رفاعه بن ملان<sup>۳</sup> بن ناصره اند. شیما با هوازن اسیر شد، رسول خدا (ص) او را گرامی داشت و نزد قومش بازگردانید. گویند رسول خدا (ص) در کودکی به هنگامی که در آغوش شیما بود او را گاز گرفته بود و اثر آن تا پایان بر او نمودار بود.

اما بنی منبه بن بکر، از ایشان است ثقیف. ثقیف فرزندان قسی بن منبه و بطنی عظیم و متسع اند. از آنانست بنی چشم<sup>۴</sup> بن ثقیف. عثمان بن عبدالله بن ربیعة بن الحارث بن حبیب<sup>۵</sup> بن مالک بن حطیط، که در روز حنین لواء، ثقیف را بر دوش داشت، از ایشان بود و در همان روز در عین کفر، کشته شد. از فرزندان او حرین عبدالرحمان بن عبدالله بن عثمان، امیر اندلس از جانب سلیمان بن عبدالملک بود. و نیز از ایشان است: بنی عوف بن ثقیف و بنی سعد بن عوف و عتبان بن مالک بن کعب بن عمرو بن سعد بن عوف که ثقیف او و برادرش معتب را نزد ابو مکسور به گروگان گذاشت، از این خاندان است: از فرزندان معتب است: عروة بن مسعود بن معتب که او را رسول خدا (ص) برای دعوت به اسلام نزد قومش فرستاد و آنان به قتلش آوردند. و او یکی از آن دو تن بود که به عظیم القریین معروف شدند و نیز از فرزندان اوست، حجاج بن یوسف بن الحکم بن ابی عقیل بن مسعود بن عامر بن معتب، فرمانروای عراقین از جانب عبدالملک و پسرش ولید. و از ایشان است: یوسف بن عمر بن محمد بن عبدالحکم، که از جانب هشام بن عبدالملک و ولید بن یزید، والی عراقین بود و بسیاری از قوم در عراق و شام و یمن و مکه حکومت داشتند. نیز از بنی معتب است: غیلان بن مسلمة بن معتب، او به دیدار کسری آمد. و نیز بنی غیرة بن عوف که از ایشان بودند اخنس بن شریق بن عمرو بن وهب بن علاج بن ابی سلمة بن عبدالعزی بن غیرة بن بن عوف بن ثقیف و حارث بن کلدة بن عمرو بن علاج طیب عرب، و ابو عبید بن مسعود بن عمرو بن عمیر بن عوف، صحابی مقتول در نبرد جسر، یکی از نبردهای قادسیه و پسرش مختار بن ابی عبید که در کوفه دعوی نبوت کرد. مختار از جانب عبدالله بن

۱. سحنه

۲. اسعد.

۳. ملاذ.

۴. جهم.

۵. حبیب بن الحارث.

الزبیر والی آن شهر بود ولی بیعت خود با او بشکست و برای محمد بن الحنفیه دعوت کرد، سپس ادعای نبوت نمود. و نیز از ایشان است ابو محجن بن حبیب بن عمرو بن عمیر و بسیاری دیگر که ذکر آنان به درازا کشد.

مساکن ثقیف در طائف بود و آن شهری است از سرزمین نجد نزدیک به مکه و نیز در جلس در مشرق و شمال آن، و آن، بر قلعه کوه است و به واج و بوج موسوم است. در جاهلیت از آن عمالقه بود، سپس نمود، پیش از نزول در وادی القری، در آنجا سکونت داشت از این رو می گویند ثقیف از بقایای قوم نمودند. بعد از عمالقه قبایل عدوان در آنجا مسکن گزیدند ولی ثقیف بر آنان غلبه یافتند و امروز خانه هایشان در آنجا است. سهیلی نیز چنین می گوید. و گویند که: ثقیف از موالی هوازن بودند و گویند وابسته به ایادند. از اعمال طائف است سوق عکاظ و عرج. عکاظ، سنگی است میان یمن و حجاز و بازار آن در عهد جاهلی، روزی از سال دایر بود و عرب از اطراف بدانجا روی می آورد، و روز عکاظ یکی از موسم های عرب بود.

اما بنی معاویه بن بکر بن هوازن را بطون بسیار است. از آنان است بنی نصر بن معاویه. که مالک بن سعد بن ربیع بن یربوع بن وائله بن دهمان بن نصر سردار مشرکان در غزوه حنین از آنان بود. او اسلام آورد و اسلامش نیکو شد. و از ایشان است بنی چشم بن معاویه و از چشم است خاندان ابن درید بن الصمه. مساکن آنان در سروات<sup>۱</sup> است و آن بلادی است که تهامه و نجد را از هم جدا می کند و از یمن است تا شام. و سروات الشام و سروات الجبل و سروات چشم، پیوسته است به سروات هذیل. بیشتر ایشان به بلاد غرب منتقل شده اند و اکنون در آنجا هستند و ما هنگام ذکر طبقه چهارم از عرب، از آنان یاد خواهیم کرد و امروز در سروات کسانی که باقی مانده اند دارای قدرتی نیستند. و از ایشان است بنی سلول و از ایشان است بنی مرة بن صعصعه بن معاویه. اینان به مادرشان سلول منسوبند. در این روزگار شمار بزرگی از آنان در مغرب سکونت دارند. و از ایشان است - به زعم عرب - بنی یزید اهل وطن حمزه در غرب بجایه و نیز پاره ای از احیاء بجیل عیاض. و ما از ایشان، بنی عامر بن صعصعه بن معاویه را یاد می کنیم که جمره ای<sup>۲</sup> کبیر از جمرات عرب هستند و دارای چهار بطن اند: نمیر و ربیع و هلال و سواه.

اما نمیر بن عامر یکی از جمرات عرب بودند آنان را در جاهلیت و اسلام کثرت و عزت بود. به جزیره فزاتیه وارد شدند و حرار و جاهای دیگر را گرفتند. در ایام المعتر بنی عباس، بر آنان حمله آوردند و همه را نابود کردند. اما سواه بن عامر را شعوب بسیار است، از نسل سمره بن سواه. از ایشان است: جابر بن سمره بن جنادة بن جندب بن رباب، صحابی مشهور. و از بطون این رباب در افریقیه

۱. سروات.

۲. جمره: هزار سوار، قبیله ای که با قبایل دیگر نیامزد. قبیله ای که سیصد سوار داشته باشد. لغت نامه.

حیی است که با حی ریح بن هلال در طلب آب و گیاهند و چنانکه در اخبار هلال از طبقه چهارم خواهیم آورد، بدین نسب شناخته آمده‌اند. و اما هلال بن عامر بطون بسیارند. در جاهلیت در نجد بودند سپس در نبردهای قریظیان به مصر آمدند، آنگاه به افریقیه روان شدند. در خلافت المستنصر العییدی بارزی وزیر، آنان را به جنگ معز بن بادیس اجازت فرمود. او نیز برخی ضوایحی افریقیه را از او بستاند. سپس بنی سلیم بر سر آنان تاختند از این رو به جانب مغرب رهسپار شدند و در میان سرزمین‌های بونه و قسطنطنیه تا دریای محیط سکونت نمودند.

هلال را پنج فرزند بود: شعبه و ناشره و نهیک و عبدمناف و عبدالله و همه بطون آنان با این پنج می‌انجامد. از عبدمناف است زینب ام‌المؤمنین، دختر خزیمه بن الحارث بن عبدالله بن عمرو بن عبدالله بن عبدمناف. و از بنی عبدالله است: میمونه، ام‌المؤمنین، دختر حارث بن حزن بن بحیر بن هزم<sup>۱</sup> بن رویه بن عبدالله.

ابن حزم گوید: از بطون بنی هلال اند بنی فروه<sup>۲</sup> و بنی نعجه که میان مصر و افریقیه سکونت دارند و بنی حرب که در حجازند و بنی ریح که افریقیه را به فساد کشیدند.

ابن سعید گوید: جیل بنی هلال در شام مشهور است. و قلعه مشهور صرخد از آنهاست. و گوید که قبائلشان در عرب در این زمان به اثبج و ریح و زغبه و قارح بازمی‌گردد. اما اثبج، از ایشان است: سراح در جانب برقه و عیاض در جبل القلعه که به نام آنان و دیگران نامیده شد. اما ریح بلادشان در نواحی قسطنطینه و سلم و زاب است و از آنان است: عتبه در نواحی بجایه، و در مغرب اقصی. از ایشان خلق بسیاری است که در اخبار آنان خواهیم آورد.

اما زغبه: از آنان در بلاد زناته، خلق عظیمی هستند. قارح نیز در مغرب اقصی با معقل و قره و چشم زندگی می‌کنند.

منازل بنی قره در برقه است و ریاستشان در ایام الحاکم العییدی به نحوی که گذشت با ابن مقرب بود چون با ابو رکوه از بنی امیه اندلس، بیعت کردند و حاکم او را کشتند، عرب بر ایشان استیلا یافت و سپاه بدانجا کشید و نابودشان نمود. پس همه به مغرب اقصی رخت بستند، اکنون - چنانکه خواهیم گفت - با چشم در آنجا هستند. در باب نسب هلال و شعوب و موطنشان در مغرب اوسط و افریقیه آنگاه که از طبقه چهارم از اعراب سخن گوئیم، سخن خواهیم گفت.

اما بنی ربیعہ بن عامر بطون بسیارند، که بیشترشان به سه تن از فرزندان او باز می‌گردند: عامر و کلاب و کعب. بلادشان در سرزمین نجد در سمت تهامه در مدینه و سرزمین شام است. پس همه به شام داخل شدند و برخی از آنان در ممالک اسلامی پراکنده گشتند و در نجد یک تن از ایشان باقی نماند. از بنی عامر بن ربیعہ است: بنی البکاء<sup>۳</sup> و او ربیعہ بن عامر بن ربیعہ است که پسرش جندح با خالد

۱. هرم.

۲. قره.

۳. بنی التکماه.

بن جعفر بن کلاب در قتل زهیر بن جذیمة العبسی شرکت داشت. و نیز فرزندان ذوالسهمین، معاویة بن عامر بن ربیعة است و نیز ذوالمحجن<sup>۱</sup> عوف بن عامر بن ربیعة. و نیز بنی فارس الصحیا عمرو بن عامر بن ربیعة. و از ایشان است: خدش بن زهیر بن عمرو از فرسان و شاعران عصر جاهلیت، و اما بنی کلاب بن ربیعة: از ایشان است: بنی الوحید بن کعب بن عامر بن کلاب و بنی ربیعة المجنون بن عبدالله بن ابی بکر بن کلاب، و بنی عمرو بن کلاب.

ابن حزم گوید: گویند: بنی صالح بن مرداس، امراء حلب از ایشان است. و از بنی کلاب است: بنی رواس، و نام او حارث بن کلاب بود. و بنی الضباب و نام او معاویة بن کلاب بود و از ایشان بود، شمر بن ذی الجوشن<sup>۲</sup> بن الاعور بن معاویة، قاتل حسین بن علی. و از اعقاب اوست: صمیل<sup>۳</sup> بن حاتم بن شمر، وزیر عبدالرحمان بن یوسف الفهری در اندلس. و نیز بنی جعفر بن کلاب که از آنان بود: عامر بن الطفیل بن مالک بن جعفر و عمویش ابو عامر بن مالک ملاعب الاسنه و ربیعة بن مالک موسوم به ربیع المقتربین<sup>۴</sup> و پسرش<sup>۵</sup> لید بن ربیعة شاعر معروف.

بلاد بنی کلاب قرقگاه ضریه و ریزه در اطراف مدینه و فدک و عوالی است. قرقگاه ضریه، قرقگاه کلیب وائل بود که از علف‌های آن اسبان و اشتران خود را می‌چرانیدند. و قرقگاه ریزه همان جایی است که عثمان، ابوذر را بدانجا تبعید کرد.

سپس بنی کلاب به شام رفتند و آنان را در جزیره فواتیه، آوازه و حکومت بود. آنان حلب و بسیاری از شهرهای شام را گرفتند. صالح بن مرداس از جانب آنان حکومت می‌کرد. سپس رو به ضعف نهادند و امروز تحت فرمانروایی اعراب شام هستند، مانند قبیله طی.

ابن سعید گوید: در عهد اسلامی آنان را در یمامه دولتی بود.

از بنی کعب بن ربیعة نیز بطون بسیاری بودند چون حریش بن کعب که از این بطن بود: مطرف بن عبدالله بن الشخیر بن عوف بن و قدان بن الحریش، صحابی مشهور. و گویند که لیلی معشوق قیس بن عبدالله بن عمرو بن عدس بن ربیعة بن جمده شاعر و مداح پیامبر (ص) از این بطن بود. نیز عبدالله بن الحشرج بن الاشهب بن ورد بن ربیعة بن جمده که در ایام زبیر (؟) بر سرزمین فارس غلبه یافت و عموی مادرش، زیاد بن الاشهب که نزد علی آمد تا میان او و معاویة صلح برقرار کند و مالک بن عبدالله بن جمده که قیس بن زهیر العبسی را پناه داد، از بنی کعب‌اند. و نیز از بنی کعب است: بنی قشیر بن کعب، که از آنان است قره<sup>۶</sup> بن هبیره بن عامر بن سلمة<sup>۷</sup> الخیر بن قشیر. او با جمعی نزد پیامبر (ص) آمد و پیامبر او را به جمع آوری صدقات از قومش مأمور فرمود. و نیز کلثوم بن عیاض بن ووح<sup>۸</sup> بن

۴. تبع المعتبرین.  
۸. و صوح.

۳. صهیل.  
۷. مسلمه.

۲. شهر بن: ذی الجوش.  
۶. مره.

۱. ذوالحجر.  
۵. پدرش.

قیس بن الاوربن قشیر که فرمانروای افریقیه بود و برادرزاده‌اش بلج<sup>۱</sup> بن بشر. از بنی قشیر گروهی در خراسان، نیکک معروفند چون ابوالقاسم القشیری، صاحب رساله. و از ایشان است عریسه‌الاندلس بنی رشیق. عبدالرحمان بن رشیق از این خاندان، اندلس را به دست آورد و ابن عماره را از آنجا براند. و هم از ایشان است صمه بن عبدالله از شاعران حماسه و بنی العجلان بن عبدالله بن کعب و شاعرشان تمیم بن ابی بن مقبل. و بنی عقیل بن کعب، اینان را بطون بسیاری است، از آن جمله است: بنی المنتفق بن عامر بن عقیل و از اعقاب بنی المنتفق است، آن گروه از اعراب که در مغرب به‌الخلط معروفند. علی بن عبدالعزیز الجرجانی می‌گوید: خلط بنی عوف و بنی معاویه فرزندان منتفق بن عامر بن عقیل هستند. (پایان).

ابن سعید گوید: منازل منتفق نیزاهای بین بصره و کوفه است، و امارت آنان در خاندان بنی معروف است. من می‌گویم: خلط در این روزگار در زمره چشم در مغرب‌اند. و از بنی عقیل بن کعب‌اند بنی عباده عقیل و از این بطن است: اخیل، نام او کعب بن الرحال بن معاویه بن عباده است که لیلی الاخیلیه، دختر حذیفه بن شداد بن الاخیل از فرزندان اوست

ابن قتیبه گوید: قیس بن الملوح معروف به‌مجنون از آنان است. بنی عباده چنانکه ابن سعید گوید: در جزیره فرائیه عراق‌اند و آنان را شمار و آوازه بسیار است. از میان ایشان قریش بن بدران بن مقلد، در اواسط قرن پنجم موصل و حلب را تسخیر کرد. پس از او پسرش مسلم معروف به‌شرف‌الدوله جانشین پدر شد و فرمانروایی در خاندان مسلم باقی ماند تا منقرض شدند.

ابن سعید گوید: در این روزگار بقایایی میان خازر و زاب در دست آنان است. عرب، آنان را شرف‌الدوله خوانند. از جانب امیر موصل به آنان نیکی‌ها شود. و آنان در عزت و تجمل زیست می‌کنند ولی شمارشان از صد سوار کمتر است. و از بنی عقیل بن کعب است: خفاجه بن عمرو بن عقیل، آنان در ایامی قریب به این زمان به عراق و جزیره نقل کردند. و ایشان را در بادیه عراق دولتی است. و از بنی عامر بن عقیل است: بنی عامر بن عوف بن مالک بن عوف. اینان برادران منتفق‌اند و در حوالی بصره سکونت دارند. بحرین را بعد از بنی ابی‌الحسن، در تصرف آوردند آن را از دست قبایل تغلب بدر آوردند. ابن سعید می‌گوید: سرزمین یمامه را از بنی کلاب گرفتند و پادشاهشان در نیمه قرن هفتم عصفور و فرزندان او بودند. سخن در بطون قیس عیلان به‌پایان آمد. والله المعین و لارب غیره و لاخیر الاخیره و هو نعم‌المولی و نعم‌النصیر، و هو حسبی و نعم‌الوکیل، و اسئله الستر الجمیل. آمین.

### بطون خندف

اما بطون خندف بن الیاس بن مضر. فرزندان الیاس: مدرکه و طابخه و قمه‌اند. و مادرشان زنی از

قضاعه به نام خندق، فرزندان الیاس همه به او منسوب شده‌اند. از بطون قمعه است، اسلم و خزاعه. اسلم، فرزندان اقصی بن عامر بن قمعه‌اند و خزاعه، پسر عمرو بن عامر بن لحي است و او ربیعة بن عامر قمعه است و عمرو بن لحي کسی است که دین اسماعیل را تغییر داد و بتان را پرستید. پیامبر (ص) درباره او گفت: «رأیت عمرو بن لحي یجر قصبه فی النار» یعنی احشاش در آتش کشیده می‌شد ساکن اینان در حوالی مکه در مرالظهران و حوالی آن بودند و با قریش هم‌پیمان بودند. در سال حدیبیه در عهد رسول خدا (ص) بر او وارد شدند. در حدیبیه قریش با پیامبر، طرح صلح افکندند ولی پیمان رسول خدا (ص) را نقض کردند. پیامبر نیز با قریش نبرد کرد و بر آنان غلبه یافت و مکه را فتح کرد و این سال را سال فتح نامیدند.

بعضی گویند خزاعه از غسان است و از فرزندان حارثة بن عمرو مزریقیا و بدان هنگام که غسان به سوی شام روان بود اینان در مرالظهران بماندند و چون «تخرع» (بازپس ایستادن، تخلف کردن) کردند به خزاعه موسوم شدند، ولی این رأی، چنانکه گفته‌اند، درست نیست. خزاعه پیش از قریش، امور خانه کعبه را بر عهد داشت و این ولایت در خاندان بنی کعب بن عمرو بن لحي بود و به حلیل بن حبشیه بن سلول رسید و او وصیت کرد که این سمت به قصی بن کلاب واگذار شود آنگاه که دختر خود حبی بنت حلیل را به زنی بدو داد و گویند که ابوغبشان بن حلیل موسوم به محترش کعبه را به یک خیک شراب به قصی فروخت و این مثل «اخسر صفقة من ابی غبشان» از آن پس معروف شد. از فرزندان حلیل بن حبشیه بود. کرزین عاقمة بن هلال بن جریده<sup>۱</sup> بن عبدنهم<sup>۲</sup> بن حلیل، که از پی پیامبر (ص) تا غار برفت و در آنجا بر در غار خانه عنکبوت و آشیانه کیوتر را که تخم نهاده بود بدید. پس از آنجا بازگشت. این خزاعه را بطن‌های بسیار است: از ایشان است بنی المصطلق بن سعد بن عمرو بن لحي و بنی کعب بن عمرو و از ایشان است: عمران بن الحصین صحابی و سلیمان بن سردامیر تواین که به خونخواهی حسین برخاستند و مالک بن هیشم از نقباء بنی العباس و نیز بنی سعد<sup>۳</sup> بن عمرو که از آنان است جویریة دختر حارث، ام المؤمنین و نیز بنی ملیح بن عمرو و از آنان است طلحة الطلحات و کثیر شاعر عاشق عزه. کثیر پسر عبدالرحمان بن الاسود بن عامر بن عویمر بن مخذل بن سبیح بن خثعمه بن عوف هستند. از برداران خزاعه است بنی اسلم بن اقصی بن عامر بن قمعه و بنی مالک بن اقصی و ملک<sup>۴</sup> بن اقصی. از اسلم است: سلمة بن الاکوع صحابی و دعبل بن علی و ابوالشیص<sup>۵</sup>، دو شاعر عرب و محمد بن الاشعث سردار بنی العباس و مالک بن سلیمان بن کثیر از داعیان بنی العباس که ابومسلم او را به قتل آورد.

اما طایفه را نیز بطون بسیار است. مشهورترینشان ضبه و رباب و مزینه و تمیم و بطون کوچکتری

۴. ماتان.

۳. عدی.

۲. فهم.

۱. حریه.

۵. بنب الشیص.

از برادران تمیم، چون صوفه و محارب.

بنی تمیم بن مر فرزندان تمیم بن مر بن ادبن طابخه‌اند. منازلشان در سرزمین نجد بود از آنجا به گرد بصره و یمامه آمدند و در عذیب از سرزمین کوفه پراکنده شدند و در این روزگار در شهرها هستند و در آنجا کسی از آنان باقی نمانده است. دو حی بزرگ در این عهد، از مشرق، صاحب منازل آنان گشتند: فزیه از طی و خفاجه از بنی عقیل بن کعب.

تمیم را بطون بسیاری است: از ایشان است: بنی‌العنبر. غاضرة بن سمره که رسول خدا(ص) او را برای جمع‌آوری صدقات فرستاد و زفرالفقیه، فرزند هذیل بن قیس بن سلیم<sup>۱</sup> بن قیس بن مکمل بن ذهل بن ذؤیب بن جذیمة بن عمرو بن حنجد<sup>۲</sup> بن جندب. العنبر، صحابی ابوحنیفه و نیز زاهد فاضل عامر بن عبدقیس بن ناشب<sup>۳</sup> بن اسامة<sup>۴</sup> بن حذیفة بن معاویة بن الحون بن کعب بن جندب، و ربیعة بن رفیع بن مسلمة<sup>۵</sup> بن محلم بن صلاة<sup>۶</sup> بن عبدة بن عدی بن جندب از بنی‌العنبراند و از تمیم‌اند: بنی‌الهیجیم<sup>۷</sup> بن عمرو بن تمیم و بنی‌اسید بن عمیر و از بنی اسید است: ابو‌هاله، هند بن زرارة بن النباش بن عدی، صحابی مشهور. و حنظلة بن الربیع بن صیفی بن ریاح بن الحارث بن فحاش بن معاویة بن شریف بن جردة<sup>۸</sup> ابن اسید، کاتب رسول خدا(ص) و حکیم مشهور، اکثم بن صیفی بن ریاح و یحیی بن اکثم قاضی مأمون که از فرزندان صیفی بن ریاح بود.

نیز از بنی تمیم است: بنی‌مالک بن عمرو بن تمیم که از آنان است: نصر بن شمیل بن خرشة بن یزید بن کلثوم بن عبدة بن زهیر بن عروة بن جمیل بن حجر بن خزاعی بن مازن بن مالک که نحوی و محدث بسود. و سلم بن احوز<sup>۹</sup>، شرطه نصرین سیار و قاتل یحیی بن زید بن زین‌العابدین. و برادر او هلال بن احوز‌کشنده آل مهلب: و نیز از این بطن است، قطری بن الفجاءة. و نام فجاءة، جموة بن یزید بن زیاد بن جنز بن کایة بن حرقوص که از خوارج ازارقه بود و به مدت بیست سال با او به خلافت بیعت کرده بودند و نیز مالک بن الریب بن حوط<sup>۱۰</sup> بن قرط بن حسیل بن ربیعة بن کایة<sup>۱۱</sup> بن حرقوص. صاحب آن قصیده مشهور که در آن خبر مرگ خود را داده بود و آن را با گروهی که از جانب عثمان بن عفان به‌خراسان آمده بودند، بر قوم خود فرستاد و آغاز قصیده چنین است:

دعانی الهوی من اهل ودی و رفقتی بذی‌الطیبین<sup>۱۲</sup> فالتفت ورائیا

یسقولون لاتبعد و هم ید فنونی و این مکان‌البعد الامکانیا.

و از بنی تمیم است: بنی‌العلاء بن عمار بن عریان<sup>۱۳</sup> بن عبدالله بن الحصین<sup>۱۴</sup> بن الحارث بن جلهم بن خزاعی بن مازن بن مالک. و بنی‌الحارث بن عمرو بن تمیم، که اینان را حبطات می‌گویند. از ایشان

۱. مسلم.	۲. جیجور.	۳. ثابت.	۴. بشامه.
۵. سلمه.	۶. صلاة.	۷. الهیجیم.	۸. جروه.
۹. اخوز.	۱۰. حوط.	۱۱. کنانه.	۱۲. ذی‌الشیطین.
۱۳. عدنان.	۱۴. الحصى.		

است عباد بن الحصین بن یزید بن اوس بن سیف بن عمرو<sup>۱</sup> بن جلد۲ بن نیا<sup>۳</sup> بن سعد بن الحارث ملقب به حبط، به خاطر بزرگی شکمش. و نیز بنی امرؤ القیس بن زید مناة بن تمیم، که از ایشان بود: زید بن عدی بن زید بن ایوب بن مجروف<sup>۴</sup> بن عامر بن عصبیة<sup>۵</sup> بن امرؤ القیس، از اصحاب نعمان بن المنذر در حیره، این زید بن عدی، کسری را واداشت تا نعمان را به قتل آورد. و مقاتل بن حسان بن ثعلبة بن اوس بن ابراهیم بن ایوب بن مجروف صاحب قصر بنی مقاتل بن منصور در حیره. و لاهزن فریظ<sup>۶</sup> بن سری بن الکاهن بن زید بن عصبیة از داعیان بنی العباس که ابو مسلم گردش را زد، زیرا نصر بن سیار را به کنایه ای از مهلکه رهانیده بود، و نیز از بنی تمیم اند: بنی سعد بن زید بن مناة بن تمیم. از ایشان است ابناء، و از آنان بود: رؤجة بن العجاج و عبدة بن الطیب شاعر. و نیز بنی منقر بن عید بن مقاص بن عمرو بن کعب بن سعد بن زید مناة، و از اینان است قیس بن عاصم بن سنان بن خالد بن منقر، که رسول خدا او را برای گرد آوردن صدقات نزد قومش روانه داشت. از فرزندان اوست میه معشوق ذوالرمة، که دختر مقاتل بن طلبه بن قیس بن عاصم بود. و از بنی منقر است: عمرو بن الاهتم صحابی. و نیز بنی مرة بن عبد بن مقاص<sup>۷</sup> و از ایشان است: احنف بن قیس بن معاویة بن حصین بن حفص بن عبادة بن التزال بن مرة و ابوبکر مالکی معروف به الابهری یعنی محمد بن عبدالله بن محمد بن صالح بن عمرو بن حفص بن عمر بن<sup>۸</sup> مصعب بن الزبیر بن سعد بن کعب بن عبادة بن التزال. و نیز بنی صریم بن مقاص، که از ایشان است: عبدالله بن اباض، رئیس فرقة اباضیه از خوارج و عبدالله بن صفار، رئیس فرقة صفریه و برک بن عبدالله که قتل معاویه را برعهده گرفت و براو ضربتی زد و مجروحش نمود و نیز بنی عوف بن کعب بن سعد بن زید مناة از ایشان است و از بنی بهدله بن عوف است زبرقان، نام او حصین بن بدر بن امرء القیس بن خلف بن بهدله است و او پس برادرش حنظله، کسی است که هوذة بن علی حنفی را اسیر کرد. و از بنی عطارد بن عوف، کرب بن صفوان بن شجیة<sup>۹</sup> بن عطارد است که در عصر جاهلی به مردمی که در مواسم گرد می آمدند، جوایزی می داد.

از بنی قریع بن عوف بن کعب است: جعفر ملقب به انف الناقه. فرزندان او از این لقب خشمگین بودند تا آنگاه که حطیه در مدحشان گفت:

قوم هم الانف و الاذنب غیرهم و من یسوی بسانف الناقه الذنبا

و از این بطن است: بنی الحارث الاعرج بن کعب بن سعد بن زید مناة. از اینان بود: زهرة بن حویه بن عبدالله قتادة بن مرثد بن معاویة بن قطن بن مالک بن ارتم بن چشم بن الحارث، که در جنگ قادسیه شرکت داشت و جالینوس سردار ایرانی را بکشت. او را با عتاب بن ورقاء از آن پس، اصحاب شیب

۱. عدم.	۲. جلد۲.	۳. قیار.	۴. مخوف.
۵. عطیه.	۶. فریظ.	۷. عید بن مقاص.	۸. عمرو.
۹. شحه.			

خارجی به قتل آوردند.

و بنی مالک بن سعد بن زید مناة، از ایشان است: اغلب بن سالم بن عقال بن خفاجة<sup>۱</sup> بن عبادة بن عبدالله بن محرت بن سعد بن حرام بن سعد بن مالک، پدر والیان افریقیه از جانب بنی العباس. و بنی ربیعة بن مالک بن زید مناة که از ایشان بود: عروة بن جریر بن عامر بن عبد بن کعب بن ربیعة، نخستین از خوارج که در جنگ صفین گفت: لاحکم الالّٰه. و معروف است که پدرش او را به مادرش نسبت می داد. و از بنی حنظله بن مالک هستند: براجم که فرزندان عمرواند. نیز ظلم<sup>۲</sup> و غالب و کلفه<sup>۳</sup> و قیس همه از بنی حنظله اند. از ایشان است: ضابی بن الحارث بن ارطاة بن شهاب بن عبید بن جندال بن قیس و ابن عمیر بن ضابی که به دست حجاج کشته شد. و بنی ثعلبة بن یربوع بن حنظله و بنی الحارث بن یربوع که از ایشان است زیر بن الماحوز<sup>۴</sup> امیر خوارج و برادرانش عثمان و علی. ایشان فرزندان بشیر بن یزید ملقب به ما حوزند. بشیر فرزند حارث بن مساحق<sup>۵</sup> بن الحارث بن سلیط بن یربوع است. و همه از امراء فرقة ازرقه بوده اند. و بنی کلیب بن یربوع، از ایشان است جریر شاعر پسر عطیة بن الخطفی و او حدیفة بن بدر بن سلمة<sup>۶</sup> بن عوف بن کلیب است. و بنی العنبر بن یربوع که از ایشان است سجاح، زنی که دعوی پیامبری کرد. او دختر اویس بن حریر<sup>۷</sup> بن اسامة<sup>۸</sup> بن عنبر است و نیز بنی ریاح که از ایشان است: شبت بن ربیع بن حصین بن عشم<sup>۹</sup> بن ربیعة بن زید بن ریاح. از ایشان بود: ریاح که اسلام آورد، سپس در جرگه خوارج درآمد، آنگاه توبه کنان بازگشت و معقل بن قیس که عمار یاسر در ایام عمر، او را به فتح تستر (= شوشتر) فرستاد و عتاب بن ورقاء بن الحارث بن عمرو بن همان بن ریاح، امیر اصفهان، او به دست شیب خارجی کشته شد.

و بنی طهیه بن مالک، اینان فرزندان ابوسود و عوف پسران مالک اند.

نیز بنی دارم بن مالک بن حنظله، از ایشان، سپس از بنی نهشل بن دارم بود: خازم<sup>۱۰</sup> بن خزیمه بن عبدالله بن حنظله بس نضلة بن حرثان<sup>۱۱</sup> بن مطلق بن صخر<sup>۱۲</sup> بن نهشل رئیس شرطه بنی العباس. و از بنی مجاشع بن دارم است: اقرع بن حابس بن عقال بن محمد بن سفیان بن مجاشع و فرزدق بن غالب بن صعصعة بن ناجیه بن عقال و حتات بن یزید بن علقمه که رسول خدا (ص)، میان او و معاویه بن ابی سفیان برادری انداخت. و از بنی عبدالله بن دارم است: منذر بن ساوی بن عبدالله بن زید بن عبدمناة بن دارم امیر هجر و از بنی عدس<sup>۱۳</sup> بن زید بن عبدالله بن دارم است حاجب بن زراة بن عدس و پسرش عطارد و فرزندان ایشان. نیز از میان آنان رؤساء و امرایی برخاستند. پایان سخن در بنی تمیم. و اما بنی مزینه، فرزندان عمرو<sup>۱۴</sup> بن ادبن طابخة بن الیاس اند. اینان، فرزندان عثمان و اوس بودند و

۱. خفافة.	۲. ظلم.	۳. کلبه.	۴. الماحور.
۵. ساحق.	۶. سلم.	۷. سامه.	۸. عمیم.
۹. جوین.	۱۰. حازم.	۱۱. حدنان.	۱۲. اصحر.
۱۳. بنی غرس.	۱۴. مر.		

مادرشان مزینه نام داشت و همه فرزندان آن دو، بدو انتساب یافته‌اند. از اینان بود، زهیر بن ابی سلمی، از شاعران ششگانه جاهلی. و فرزندان زهیر یکی بجیر است و یکی کعب. کعب همان است که رسول خدا (ص) را مدح گفته است. دیگر از این بطن، نعمان بن مقرن بن عامر است. برادر او، سوید در جنگ نهاوند کشته شد. نیز معقل بن یسار بن عبدالله بن معبد<sup>۱</sup> بن حراق بن لابی بن کعب بن عبدالثور، صحابی مشهور.

اما رباب، فرزندان عبدمناة بن ادین طابخه‌اند. از فرزندان اوست تیم<sup>۲</sup> و عدی و عوف و ثور. آنان را رباب از این رو می‌گفتند که دست‌های خود را در رب فرو کردند تا با یکدیگر متحد و هم‌پیمان باشند. بلادشان در کنار بنی تمیم در دهناء است، در اشعارشان از جزوی و عالج نیز سخن رفته است. در این عهد پراکنده شده‌اند و در آنجا کسی از آنان باقی نمانده است.

و از بنی تیم بن عبد مناة است: مستورد بن علفه<sup>۳</sup> بن الغریس بن ضیاری<sup>۴</sup> بن نثبه بن ربیع بن عمرو بن عبدالله بن لوی بن عمرو بن الحارث بن تیم الحارثی که او را به‌هنگام حکومت مغیره بن شعبه، معقل بن قسی الریاحی بکشت. و نیز برادرزاده‌اش وردان<sup>۵</sup> بن مجاهد<sup>۶</sup> بن علفه که با عبدالرحمان بن ملجم در کشتن علی (ع) شرکت جست و به‌قتل رسید. همچنین قطام دختر شجنه<sup>۷</sup> بن عدی بن عامر بن عوف بن ثعلبه بن سعد بن ذهل بن تمیم که ابن ملجم او را به‌همسری برگزید و مهر او را - چنانکه گفته‌اند - کشتن علی قرار داد. و گوید:

ثلاثة آلاف و عسب و قسینة      وضرب علی بالحمام المصمم

آن زن از خوارج بود. پدرش شجنه و عمویش اخضر در جنگ نهران کشته شده بودند. و از بنی عدی بن عبدمناة است: ذوالرمة شاعر. نام او غیلان فرزند عقبه بن بهیش<sup>۸</sup> بن مسعود بن حارثة بن عمرو بن ربیعة بن ساعدة بن کعب بن عوف بن ثعلبه بن ربیعة بن ملک بن عدی است. و از فرزندان ثور بن عبدمناة که ثور اطلح<sup>۹</sup> نامیده می‌شد، سفیان الثوری بود، او سفیان بن سعید بن مسروق بن حبیب بن رافع بن عبدالله بن منقر<sup>۱۰</sup> بن نصر بن الحارث بن ثعلبه بن عامر بن ملک بن ثور نام داشت و برادرانش عمر و مبارک. و نیز ربیع بن خثیم فقیه، از بنی ثور بود.

اما، ضبه، اینان فرزندان ضبه بن اد هستند. دیارشان در کنار برادرانشان بنی تمیم است، در ناحیه شمالی نجد. در عصر اسلامی به عراق نقل کردند و در جانب نعمانیه، سکونت ورزیدند. از ایشان است ضرار بن عمرو بن مالک بن زید بن کعب بن بجالة بن ذهل بن مالک بن بکر بن اسعد بن ضبه. سرور بنی ضبه، در عصر جاهلیت. و سیادت در خاندان او بماند. او را هجده پسر بود و همه در یوم‌القرنتین<sup>۱۱</sup>

۱. معیر.	۲. تمیم.	۳. علفه.	۴. صباری.
۵. ورد.	۶. مجالد.	۷. بجنه.	۸. بهس.
۹. اطلح.	۱۰. منقر.	۱۱. القرنتین.	